

گرایش فیلمسازان به سریال سازی برای وی.او.دی ها

پناهگاهی که با کرونا دیده شد

ترکس عاشوری
خبرنگار

نگاهی به صف علاقه‌مندان ساخت سریال برای شبکه‌نمایش خانگی و درصداً بالای اخبار تولیدات این حوزه گویای رونق سامانه‌های آنلاین نمایش است. در همین مقطع یعنی روزهای پایانی سال ۱۳۹۹، سریال از این سامانه‌ها در حال پخش است. «خوب بد جلف» را دیو اکتیو» محسن چگینی، «ملکه گدایان» حسین سهیلی‌زاده و «می‌خواهم زنده بمانم» شهرام شاه‌حسینی در پلتفرم فیلم‌بو و «سیاوش» سروش محمدزاده و «قورباغه» هومن سعیدی در نماوا در رقابت برای جذب مخاطب هستند. به این فهرست تا دو هفته دیگر «گیسو» منوچهر هادی (نماوا) و «هیولا» مهران مدیری (نماوا و فیلم‌بو) اضافه خواهند شد. در میان فیلم‌سازی‌های مشغول تولید نام حسن فتحی (جیران)، بهمن فرمان‌آرا (داستان جاوید)، همایون اسعدیان (ناجور)، مهرداد غفارزاده (آهوی من مارال)، حامد محمدی (قبله عالم)، تینا پاکروان (خاتون)، عباس رافعی (پروانه)، علی سربلی (خون خورده)، محمدحسین مهدویان، رضا عطاران و... دیده می‌شود که آثارشان در سال آینده در فهرست پخش این سامانه‌ها قرار خواهند گرفت. اقبال به سریال سازی اگر چه چند سالی است قوت گرفته اما طی سال گذشته روند صعودی معناداری پیدا کرده است. به همین بهانه با منتقدان سینما و فعالان این عرصه درباره چرایی اقبال، مخاطبان و سینماگران به این حوزه، کم و کیف تولیدات، آسیب‌شناسی و استراتژی عرضه و...

گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **هم «قورباغه» می‌خواهیم، هم «ملکه گدایان»**
روایت قصه‌ها در فضایی آزادتر از محدودیت‌های سریال سازی تلویزیون و امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و پرداخت دستمزدهای کلان، اهالی سینما و تلویزیون را به همکاری با سریال‌ها و تولید دیگر محتوای اختصاصی برای سامانه‌های پخش آنلاین ترغیب کرده است. از سوی دیگر به لطف داده‌سازی توسط سریال‌های چندفصلی آمریکایی و اروپایی که به خاطر نبودن تنگنا کشور ما به قانون جهانی کپی‌رایت راحت‌تر در دسترس همگان است، مخاطب ایرانی کاربر ثابت اینترنتی و تماشاچی این آثار شده است. این گرایش طی سال گذشته رشد قابل توجهی یافته است. پیامدهای شیوع کرونا یعنی تعطیلی سالن‌های سینما و به تبع آن کاهش تولیدات سینمایی در کنار خانه‌نشینی مخاطبان از جمله عواملی است که به گفته

همایون اسعدیان (فیلمساز) باعث رونق این حوزه شده است.

روندگی که در راستای تغییر نگاه جهانی به صنعت تصویر و قدرت گرفتن

پلتفرم‌های آنلاین مثل نتفلیکس، از سال‌ها قبل در ایران شکل گرفته بود حالا رشدی جهش‌گونه یافته است: «به طور طبیعی طی ۵ تا ۱۰ سال آینده این امر قطعاً اتفاق می‌افتاد اما پاندمی کرونا باعث شد این جریان شتاب بگیرد. تعطیلی سالن‌های سینما نگرانی برای تولید فیلم را افزایش داد. دیگر براحتی نمی‌شد به ساخت فیلم سینمایی فکر کرد چون به اکران اعتمادی نبود. از سوی دیگر خوراک فرهنگی مردم در خانه‌نشینی اجباری افزایش پیدا کرد و با بالا رفتن تقاضا، پلتفرم‌ها باید به فکر تولید محتوا بودند. اهالی سینما که تولید فیلم را در معرض تعطیلی می‌دیدند، به تولید سریال برای این سامانه‌ها گرایش بیشتری پیدا کردند.»

اسعدیان به کفه سنگین تقاضا برای تولید اشاره می‌کند و در توضیحات تکمیلی می‌افزاید: «من در شورای پروانه ساخت ارشاد حضور دارم و این امر کاملاً مشهود است. کارگردان‌های شاخص به ندرت درخواست پروانه ساخت فیلم سینمایی دارند اما بسیاری از آنها به همراه تهیه‌کننده‌های مطرح وارد عرصه شبکه نمایش خانگی شده‌اند. با توجه به شرایط موجود این اتفاق امری محتوم و اجتناب‌ناپذیر است و البته بدان معنا هم نیست که سینما تعطیل شود. قطعاً بعد از کرونا سالن‌های سینما فعالیت‌شان را از سر

می‌گیرند اما سینما رفتن آیین ویژه‌تری خواهد یافت. با جاکری پلتفرم‌های نمایش آنلاین فیلم و سریال در زندگی جامعه ایرانی، دیگر مخاطب راضی نمی‌شود صرفاً برای تماشای فیلم راهی سینما شود. او برای یک مجموعه نیاز از خرید و فضای کپ و گفت در کافی‌شاپ گرفته تا تفریح فرهنگی به سینما مراجعه خواهد کرد که طبیعتاً نقش پردیس‌های سینمایی پررنگ‌تر خواهد شد. سینما سربا خواهد ماند اما نوع فیلم‌ها به شکل سابق نخواهد بود. بسیاری از فیلم‌ها دیگر جایی در سالن‌های سینما ندارند و اتفاقاً جایگاه عرضه‌شان در همین پلتفرم‌ها خواهد بود. چنانکه تجربه سال گذشته نشان داد بسیاری از فیلم‌هایی که امیدی به اکران عمومی در سالن سینما نداشتند یا در صورت اکران با فروش ناپایان ۱۵۰ میلیون روبه‌رو می‌شدند در نهایت ۳۰ میلیون نصیب تهیه‌کننده می‌شد، در اکران آنلاین بالای ۵۰۰ میلیون فروش داشتند که فروش قابل قبولی بود. اگر این عرصه نبود بخش زیادی از اهالی سینما با وضعیت بسیار بدتری روبه‌رو بود. در یک سال گذشته تولیدات شبکه نمایش خانگی فضایی ایجاد کرد که حداقل بخشی از اهالی سینما مشغول به کار شوند و از جهت اقتصادی تأمین‌شوند»

بالا گرفتن تب سریال سازی در شبکه نمایش خانگی اما با نگرانی‌هایی همراه است. برخی از کارشناسان بر این باورند که با افزایش حجم سریال‌ها در ایران شکل گرفته بود حالا رشدی جهش‌گونه یافته است: «به طور طبیعی طی ۵ تا ۱۰ سال آینده این امر قطعاً اتفاق می‌افتاد اما پاندمی کرونا باعث شد این جریان شتاب بگیرد. تعطیلی سالن‌های سینما نگرانی برای تولید فیلم را افزایش داد. دیگر براحتی نمی‌شد به ساخت فیلم سینمایی فکر کرد چون به اکران اعتمادی نبود. از سوی دیگر خوراک فرهنگی مردم در خانه‌نشینی اجباری افزایش پیدا کرد و با بالا رفتن تقاضا، پلتفرم‌ها باید به فکر تولید محتوا بودند. اهالی سینما که تولید فیلم را در معرض تعطیلی می‌دیدند، به تولید سریال برای این سامانه‌ها گرایش بیشتری پیدا کردند.»

اسعدیان به کفه سنگین تقاضا برای تولید اشاره می‌کند و در توضیحات تکمیلی می‌افزاید: «من در شورای پروانه ساخت ارشاد حضور دارم و این امر کاملاً مشهود است. کارگردان‌های شاخص به ندرت درخواست پروانه ساخت فیلم سینمایی دارند اما بسیاری از آنها به همراه تهیه‌کننده‌های مطرح وارد عرصه شبکه نمایش خانگی شده‌اند. با توجه به شرایط موجود این اتفاق امری محتوم و اجتناب‌ناپذیر است و البته بدان معنا هم نیست که سینما تعطیل شود. قطعاً بعد از کرونا سالن‌های سینما فعالیت‌شان را از سر

مدیری که آن روزها چهره بسیار محبوبی بود، سریال را در شبکه نمایش خانگی عرضه کرد. حال و هوای این مجموعه که متن آن را خشیایار الوند و امیرمهدی زوله نوشته بودند، تاریخی و مضمون آن مثل سریال «شبهای بره» نقد اجتماعی بود. نکته جالب که بعدها در «قلب یخی» تکرار شد، نیمه تمام ماندن سریال بود. اختلاف کارگردان با تهیه‌کنندگان باعث شد، «قوه تلخ» کامل نشود.

«قلب یخی» یکی از سریال‌های پر حرف و حدیث بود که سال ۹۱ به شبکه نمایش خانگی آمد و داستانی پرفراز و نشیب داشت. سری اول دوم این مجموعه که محمدحسین لطیفی کارگردانی کرد، درباره مدلینگ و فعالان در این عرصه بود و برای مخاطب تازگی داشت. حضور الناز شاکردوست ستاره جوان سینمای تجاری آن روزها و حمید فرخ‌زاد برگ برنده سریال بود. «قلب یخی» می‌توانست یک سریال عاشقانه پربیننده باشد، اما تلاش برای گنجاندن موضوع‌های سیاسی و مسائل مثل فراماسوئری، آن را از بین برد. حالا تنها در دوم این سریال، ترانه‌ها پر پرس و حال مازیار فلاچی به یاد مانده است. خواننده‌ای که در چند قسمت مقابل دوربین رفت و حضوری دلنشین داشت. سری سوم این سریال که ربطی به سری اول و دوم نداشت، با حضور هدیه تهرانی و مهران مدیری و به کارگردانی سامان مقدم ساخته شد. یک سریال لوکس اما ضعیف که محبوبیتی نیافت و در نهایت، پایان‌بندی سرهم‌پندی شده آن، مخاطبان را ناراضی کرد.

■ **موفق شکست خورده‌ها**

بعد از سال ۹۱ روند تولید سریال در شبکه

پلتفرم‌ها در تلاش هستند تا هر کدام برای هر شب یک سریال تازه داشته باشند. این اتفاق مخاطب را پس نمی‌زند بلکه قدرت انتخاب به تماشاگر می‌دهد. به شرط این که سریال هر ۷ شب مثلاً با فرم و محتوای «قورباغه» یکی نباشد

شدند و با رونق گرفتن وی.او.دی‌ها و شیوع کرونا که کم رونقی سینما را در پی آورد، وارد مرحله اشباع و کاهش تدریجی کیفیت شدیم. حدس زدن آینده تولیدات ایرانی وی.او.دی‌ها سخت نیست.»

او معتقد است که سریال‌های این عرصه همگی از الگویی ثابت تبعیت می‌کنند: «قصه‌های ضعیف و بیهوده کش آمده و یک لشکر ستاره و سلبریتی که بناست کمبودهای جذابیت داستان را جبران کنند. از این نظر و برخلاف خواست برخی از دوستان که دل‌شان می‌خواهد وی.او.دی‌ها را با نتفلیکس مقایسه کنند، واقعیت این است که سریال‌های ما برخلاف نمونه‌های جهانی، بیشترین اتکا را به بازیگران مشهور دارند. «درحالی که در سریال‌هایی مثل «بازی تاج و تخت» و «برکینگ بد» و حتی همین «گامبی وزیر» ستاره مشهور نمی‌بینید. جذابیت قصه است که مخاطب را دنبال خودش می‌کشد.»

باره می‌گوید: «بعد می‌دانم هیچ برنامه‌ریزی و افق دیدی در کار باشد. اصلاً در سینمای ایران هر عرصه و هر مدل کاری که به سوددهی می‌رسد، همه به آن سمت پورش می‌برند و تا اشباع و نابودشد نکنند، دست بر نمی‌دارند. در ابتدای همین دهه بود پیرو موفقیت‌های فرهادی، ملودرام‌های مبتنی بر پنهان‌کاری و خیانت آنقدر ساخته شد که این مضامین جذابیت‌شان را از دست دادند. سریال سازی هم همین است. پس از موفقیت «قوه‌تلخ» و «شهرزاد»، ذهن‌ها برای حسابگر متوجه این حوزه



می‌خواهم زنده بمانم



سیاوش

می‌دهد: «مخاطب ایرانی از سریال‌های آمریکایی و ترکی و ایرانی توقع‌های یکسانی ندارد. نتیجه الگو گرفتن از نمونه‌های خارجی می‌شود همین سریال‌هایی که به سوددهی نمی‌رسند و تولیدکنندگان ناچارند آنها را کش بیاورند. مخاطب ایرانی وقتی سریالی شبیه آثار خارجی ببیند، می‌فهمد این کار اصل نیست و دارد ادا درمی‌آورد چون برخلاف سابق، او به نمونه اصلیش دسترسی دارد! به نظر موفقیت فصل اول «شهرزاد» و شکست سریالی مثل «قورباغه» تا حدی می‌تواند سلیقه مخاطب ایرانی را نشان دهد.»

او معتقد است هیچ یک از سریال‌های شبکه نمایش خانگی تا این لحظه قابلیت ثبت شدن به عنوان اثر ماندگار را ندارند. «حتی بعید است الان کسی بنشیند و برای ما دوم «شهرزاد» را ببیند. ولی این مورد ربطی به وی. او.دی‌ها ندارد. از شرایط اجتماعی و فرهنگی‌ای که ما در آن هستیم، اثر ماندگار بیرون نمی‌آید... در هیچ حوزه‌ای، همانطور که این منتقد سینما اشاره دارد نمی‌توان تمام تقصیرها را متوجه اهالی این حوزه دانست. طبیعتاً خروجی یک اثر در فضای که گروه‌های مختلف نظر می‌دهند متفاوت از فضایی است که تنها ممیزی و مؤلفه تعیین کننده اقتصاد است. تصمیم‌گیرنده اصلی تهیه‌کننده است و اوست که با ارزیابی بازار درباره تولید اثر تصمیم می‌گیرد.

■ **ترغیب به تمديد يا خرد اشتراك**

اتکای سامانه‌های برخط عرضه محصولات نمایشی به کاربرانی است که با خرید حق اشتراک برای تماشای آثار، مشتری آنها می‌شوند. حضور کارگردان نام‌آشنا و ستاره‌های سینما در این عرصه استقبال از پلتفرم‌های آنلاین نمایشی را آنقدر بالا برده که این سرویس‌ها به خرید آثار سازندگان یا تولیدات پر بود تبدیل‌تسلیم همین جریان غالب شد؟ ذوقالفقاری در پاسخ به این سؤال توضیح



کرد. شهاب حسینی گزینه بازی در نقش اصلی سریال بود، نقشی که حامد بهداد آن را پذیرفت و اعتباری به کارنامه‌اش نیفزود. مدیری پس از فصل اول «هیولا»، این روزها مشغول ساخت سری دوم این سریال طنز است. در تعجب ستاره‌های اضافه شدن گلاره عباسی و واندیشه فولادوند به تیم بازیگران این سریال، از نکات جذاب آن است.

از «شهرزاد» تا «هم‌گناه»
تولید و پخش «شهرزاد» (حسن فتحی) نقطه عطفی در فضای حاکم بر شبکه نمایش خانگی به وجود آورد. پیش از «شهرزاد» اغلب تولیدات با طنز بودند یا فضایی عاشقانه داشتند. اما «شهرزاد» نخستین سریالی بود که علاوه بر حضور ستاره‌های محبوب، فضایی تاریخی داشت. «شهرزاد» که سه فصل ادامه یافت و پخش آن در سال ۹۷ به پایان رسید، مثل اغلب آثار فتحی، درونمایه عاشقانه و فضایی تاریخی داشت. شهرزاد (ترانه علیدوستی) شخصیتی مقتدر و جذاب بود که زندگی پرفراز و نشیبی را پشت سر می‌گذاشت. بازی‌های خوب علیدوستی، شهاب حسینی، پریناز ایدپار و امیرحسین فتحی در کنار قصه جذاب و درخشش علی نصیریان در نقش بزرگ آقا، «شهرزاد» را به محبوب‌ترین سریال شبکه نمایش خانگی تبدیل کرد. موفق‌ترین



قورباغه



ملکه گدایان

زمانی که متولی‌ای برای نظارت روی شبکه‌های ماهواره‌ای نباشد و ارگانی نباشد که سرمایه و تولید داخلی در برابر استفاده غیرقانونی حمایت کنند، شبکه‌های ماهواره‌ای بی‌پروا تولیدات و آثار ایرانی را براحتی پخش می‌کنند. این عمل چیزی جز تصاحب و دست‌اندازی روی محصولات فرهنگی نیست. اموالی که در شرایط بحرانی چون کرونا و تحریم به سختی و با هزینه بالا در حال تهیه و تولید است. این عبارات بخشی از صحبت‌های **احسان عمرانی**، مدیر اجرایی فیلم‌بو است. به گفته او تلاش پلتفرم‌ها، قاجاق در فضای مجازی و پلتفرم‌های غیرقانونی و همچنین شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب در سطح نسبتاً مطلوبی کنترل شده اما اگر حقوقی پایین آوردن محتوا روی شبکه‌های ماهواره‌ای بسیار پیچیده بوده و نیاز مبرم به حمایت‌های سازمان‌های ذیربط داخلی دارد. او می‌گوید: «هدف از پخش آثار ایرانی در شبکه‌های ماهواره‌ای، منفعت طلبی عده‌ای و ضربه به صنعت فیلمسازی ایرانی است و اقتصاد هنر-صنعت ایران را نشانه گرفته‌اند تا بدون پرداخت حق کپی‌رایت به فاصله یک ساعت پس از انتشار روی پلتفرم‌ها محتوای ایرانی را بارها و بارها بازآرشف کنند و با این اقدام ضربه سنگینی را بر پیکر این صنعت نوپا وارد می‌کنند.» عمرانی بر این نکته تأکید دارد که باید قانونگذار و متولیان امر با حمایت از کپی‌رایت محصولات ایرانی از تولیدکننده و سرمایه‌گذاران حمایت کنند و با این شبکه‌ها به مقابله بپردازند تا سرمایه‌گذاران نیز سود و چرخ‌این هنر-صنعت بچرخد؛ زیرا بخش خصوصی برای بقا و حتی صادرات سریال‌ها باید مورد حمایت متولیان امری چون ارشاد، ستارو، قرار گیرد.

او اظهار نگرانی می‌کند اگر این حمایت‌ها دیر اتفاق بیفتد و بازگشت سرمایه رخ ندهد دیگر کمتر سرمایه‌گذاری میل و رغبتی برای سرمایه‌گذاری در سینما و شبکه‌نمایش خانگی پیدا نمی‌کند.

سازمان سینمایی و از کارشناسان این حوزه درباره مشارکت پلتفرم‌ها در تهیه و تولید آثار نمایشی می‌گوید: «سرمایه‌گذار غالب سریال‌ها در این ماه‌ها، رسانه‌های برخط یا همان پلتفرم‌ها هستند که در نقشه راه تجاری‌شان (business plan) فعلاً در حال بازسازی و توسعه بازار هستند تا با تغییر رژیم مصرف رسانه‌ای مخاطب (کابرس) و داده‌سازی برای او به مرور با افزایش مشتریان، بخشی از سرمایه مصرف شده را از راه فروش حق اشتراک‌های دوره‌ای تأمین کنند و در ادامه با تجاری‌سازی برای کلای تولیدی خود اسپانسر و شریک تجاری بیایند.» او می‌گوید: «همین که پلتفرم‌ها بیشتر مایلند در تولید محتوا دنباله‌دار سرمایه‌گذاری کنند، نشان از آن دارد که می‌خواهند مخاطب/کاربر را در بازه زمانی طولانی‌تری به خرید یا تمديد اشتراک ترغیب کنند.» آن طور که از شواهد و قرائن برمی‌آید نشانه‌هایی از پیامد این جریان از همین حالا مشهود است و در هفته‌های اخیر هزینه حق اشتراک وی. او.دی‌های مطرح کشور افزایش قابل توجهی یافته که حاشیه‌ها و سوالاتی را ایجاد کرده است.

■ **سرمایه شبکه نمایش خانگی در چپاول شبکه‌های ماهواره‌ای**

با مشارکت پلتفرم‌ها در سرمایه‌گذاری تولید آثار به نظر می‌رسد ضرب و امینت سامانه‌های آنلاین نمایش فیلم و سریال افزایش پیدا کند. پاشنه آشیل اکران آنلاین حالا صاحبان پلتفرم‌ها را هم تهدید می‌کند. سریال‌هایی که بلافاصله بعد از بازگذاشتن این سامانه‌ها نسخه قاچاق‌شان از کانال‌های تلگرامی و شبکه‌های ماهواره‌ای سر درمی‌آورد. این چالش بزرگ می‌تواند نفس سریال سازی را نیز به شمارش بیندازد. «نیروی انسانی و سرمایه اقتصادی عامل بقا و رشد شبکه نمایش خانگی وی.او.دی‌ها است.



اثر پر بیننده به نظر می‌رسند. سریال «راديو اکتیو» (محسن چگینی) جذابیت و گرمایش را از زوج سام درخشانی و پژمان جمشیدی می‌گیرد، اما طراوت و تازگی «خوب بد، جلف ۱» ندارد. از «سیاوش» (سروش محمدزاده) که قصه تکراری قهرمان در محضه را روایت می‌کند، در مقایسه با دیگر سریال‌های امسال، استقبال نشده است. شبیه بودن سریال به انبوه فیلم و سریال‌هایی که در این سال‌ها دیده‌ایم، تماشاگر را ترغیب نمی‌کند، آن را تماشا کند.

■ **کشتی به راهل ادامه می‌دهد**

با وجود انتقادهای فراوان به کیفیت اغلب سریال‌های نمایش خانگی، شکست پروژه‌های ضعیف مانند «ممنوعه» (امیر پورکیان) و «رقص روی شیشه» (مهدی گلستانه)، تولید سریال و مسابقه در شبکه نمایش خانگی ادامه دارد. آثارهای تقلبی و تبلیغات فراوان درباره‌استاندارد اقبال این سریال‌ها، فضا را آلوده کرده است. با این همه، چرخ تولید در شبکه نمایش خانگی می‌چرخد و اغلب کارگردان‌های موفق سینما یا کارگردان‌های تازه‌وارد از تلویزیون، در این عرصه تجربه‌گری می‌کنند. سریال سازی در شبکه نمایش خانگی، با فاصله از محدودیت‌های تلویزیون، می‌توانست بستری برای خلاقیت باشد، اما تجربه‌های اخیر ثابت کرده بازار دست سریال‌های ظاهرآ سیاسی و انتقادی یا آثاری است که نکته‌ای فراتر از تجربه‌های گذشته ندارند. بعضی از این سریال‌ها به استانداردهای تلویزیون نزدیک شده‌اند و بعضی دیگر، ظاهرآ تند و انتقادی هستند. اما کیفیت پایین اغلب این آثار، نشان دهنده وضعیت حاکم بر شبکه نمایش خانگی پس از یک دهه است.

سریال شبکه نمایش خانگی در یکی دو سال گذشته، «هم‌گناه» (مصطفی کبیانی) بود. تیم بازیگران، داستان جذاب و ساختار سینمایی، «هم‌گناه» را سر و طراوت و تازگی «خوب بد، جلف ۱» داد. از «سیاوش» (سروش محمدزاده) که قصه تکراری قهرمان در محضه را روایت می‌کند، در مقایسه با دیگر سریال‌های امسال، استقبال نشده است. شبیه بودن سریال به انبوه فیلم و سریال‌هایی که در این سال‌ها دیده‌ایم، تماشاگر را ترغیب نمی‌کند، آن را تماشا کند.

■ **ساز رونق شبکه نمایش خانگی**

اسمال، قرنطینه و تعطیلی طولانی مدت سینماها، به شبکه نمایش خانگی رونق داد. سریال «آقازاده» (بهزاد توfigی) به دلیل مضمون ملتشیب سورد توجه قرار گرفت. «ملکه گدایان» (حسین سهیلی‌زاده) یک ملودرام عاشقانه با داستانی جذاب است. بازی خوب باران کوثری، آرمان درویش و محمد رضا غفاری از امتیازهای «ملکه گدایان» است. سریالی که یک گام از «مانکن» جلوتر است. «قورباغه» اگر چه دوستداران سینمای هومن سعیدی را راضی نکرده، اما با بازی سحر دولشاهی و صابر ابر و فضای پیچیده و معمایی‌اش، مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. قسمت نخست «می‌خواهم زنده بمانم» (شهرام شاه‌حسینی) امیدوارکننده بود. شاه‌حسینی از سریال‌های تلویزیونی‌اش، فاصله گرفته و مسیری را ادامه می‌دهد که بعد از «خانه دختر» رها شده بود. تیم بازیگری، ویژه حامد بهداد، بابک کریمی و پدram شریفی در همان قسمت نخست از مهم‌ترین عوامل برای تبدیل شدن به یک